

مجموعه ای از الواح

# حمال اقدس ابھی

که بعد از کتاب اقدس نازل شده

لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی

آلمان

مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی

که بعد از کتاب اقدس نازل شده

ناشر: مؤسسه مطبوعات امری آلمان

لجنة ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی

هوفهایم - آلمان

خوش نویس: امان الله موقن

فهرست اعلام، مطالب، اصطلاحات و آیات: دکتر بهروز بهرامی

چاپ اول: ۱۳۷ بدیع - ۱۹۸۰ میلادی

چاپ دوم: ۱۵۶ بدیع - ۲۰۰۰ میلادی

# فهرست

| صفحه | اسم لوح                   |
|------|---------------------------|
| ۱    | ۱- لوح کرم                |
| ۳    | ۲- لوح اقدس               |
| ۱۰   | ۳- بشارات                 |
| ۱۶   | ۴- طرزات                  |
| ۲۵   | ۵- تجلیات                 |
| ۳۰   | ۶- کلمات فردوسی           |
| ۴۶   | ۷- لوح دنیا               |
| ۵۷   | ۸- اشراقات                |
| ۸۰   | ۹- لوح حکمت               |
| ۹۲   | ۱۰- اصل کلّ انجیر         |
| ۹۵   | ۱۱- لوح مقصود             |
| ۱۱۲  | ۱۲- سوره وفا              |
| ۱۲۰  | ۱۳- لوح سید مهدی دهجی     |
| ۱۲۵  | ۱۴- لوح برهان             |
| ۱۳۴  | ۱۵- کتاب عهدی             |
| ۱۳۸  | ۱۶- لوح ارض با            |
| ۱۳۹  | ۱۷- شجاعتی از الواح سائره |

مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی  
 که بعد از کتاب اقدس نازل شده  
 ناشر: مؤسسه مطبوعات امری آلمان  
 لجنة ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی  
 هوفهایم - آلمان  
 خوش نویس: امان الله موقن  
 فهرست اعلام، مطالب، اصطلاحات و آیات: دکتر بهروز بهرامی  
 چاپ اول: ۱۳۷ بدیع - ۱۹۸۰ میلادی  
 چاپ دوم: ۱۵۶ بدیع - ۲۰۰۰ میلادی

تجلیات

# تجليات

صحيفة الله المهيمن القويم  
هو السامع من افقه الاعلى

شهد الله انه لا اله الا هو والذي اتى انه هو التبر المكنون الرمز المحزون في الكتاب  
الاعظم للامم وسمي الكرم للعالم وهو الآية الكبرى بين الوري ومطلع الصفات العليا  
في ناسوت الانشاء به ظهر ما كان محزوناً في ازل الازال مستوراً عن اولى الابصار  
انه هو الذي شبرت بظهوره كتب الله من قبل ومن بعد من اقربه و باياته وبيئاته  
انه اقر بما نطق به لسان العظمة قبل خلق الارض والسماء وقبل ان يظهر ملكوت الاسماء  
به ما ج سحر العلم بين الانام وجرى فرات الحكمة من لدى الله مالك الايام  
طوبى البصير شهد ورائي وسميح سجع ندائه الاعلى وليد اخذت الكتاب بقوة رجحها  
سلطان الاحسنة والاولى والسريع سجع الى افته الاعلى ولقوتى ما اضعفت سطوة  
الامرار وضوضاء العلماء وويل لمن انكر فضل الله وعطائه ورحمته وسلطانه انه ممن انكر

٥ حجة الله وبرهانه في ازل الازال ونسيماً لمن نبذ اليوم ما عند القوم واخذ ما امر به  
من لدى الله مالك الاسماء وفاطر الاشياء الذي اتى من سماء القوم بالاسم الاعظم و  
سلطان لا تقوم معه بسود الارض شهيد بذلك ام الكتاب في اعلى المقام  
٦ يا اعلى قبل كبر انما سمعنا نذاتك مرة بعد مرة اجبتناك بما لا تعادله اذكار العالم  
ويجد منه المخلصون عرف بيان الرحمن والعشاق نفحات الوصال والعطشان خرب  
كوثر الحسيوان طوبى لمن فاز به ووجد ما توضع في هذا الحين من براعة الله لمهين  
٧ العزيز الوهاب شهيد انك قبلت وقطعت تسبيل الى ان وردت وحضرت و  
سمعت نداء المظلوم الذي سجن بما كتبت ايدي الذين كفروا بايات الله وبرهانه و  
انكروا هذا الفضل الذي به انارت الافاق طوبى لوجهك بما توجه ولا ذنك  
بما سمعت ولسانك بما نطق بشناء الله رب الارباب نسل الله ان يحبك علماً  
٨ لنصرة امره ويقربك اليه في كل الاحوال وتذكر اولياء الله واجباه هناك وتبشرهم  
بما نزل لهم من ملكوت بيان ربحهم مالك يوم الحساب ذكرهم من قبلي وتودهم بانوار  
٩ نيرياني ان ربك هو العزيز الفضال يا ايها الناطق ثناني اسمع ما قاله اظالمون  
في ايامي مخس من قال انه ادعى الربوبية ومنهم من قال انه اقربى على الله ومنهم من  
قال انه ظهر للفساد وتبا لهم وسحق لهم الاتهم من عبدة الاوهام انا اردنا ان نبذل  
١٠ اللغثة لفضحي ان ربك هو المقدر المختار اراده انك بلسان پارسي نطق بما نيم كه شيا

اهل ايران طراً بيانات رحمن را بشنوند و بيانيد و بيانند .

۱۱ تجلی اول که از آفتاب حقیقت اشراق نمود معرفت حق جل جلاله بوده و معرفت سلطان قدم حاصل نشود مگر معرفت اسم اعظم اوست مگر آن طور که بر عرش ظهور ساکن و مستوی است و اوست غیب مکنون و سر مخزون کتب قبل و بعد الهی بذكرش فرین و شنایش ناطق به نصب علم العلم فی العالم و ارتفعت رايه التوحید بین الامم لقاء حاصل نشود مگر بقاء او با و ظاهر شد آنچه که ازل الازل مستور و پنهان بوده آنه ظهر باحق و نطق بکلمه نضعق بهما من فی السموات و الارض الا من شاء الله ایمان بانه و عرفان او تمام نشود مگر تصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل به آنچه امرش بود و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته منضمین بحر بیان باید در کل حین به او امر و نواهی الهی تا باشند او امرش حصن اعظم است از برای حفظ عالم و صیانت امم نور المنیر و اعتراف و تار المن ادر و انکر .

۱۲ تجلی دوم استقامت بر امر الله و جنبه جل جلاله بوده و آن حاصل نشود مگر معرفت کامل و معرفت کامل حاصل نشود مگر به استرار بکلمه مبارکه نفعیل ما یشاء هم نفسی به این کلمه علیاً تمسک نمود و از کثر بیان مودع در آن آشناید او خود را مستقیم مشاهده نماید بشانیکه کتب عالم او از اتم الکتاب منع ننگند چنانچه هذا المقام الاعلی و الرتبه اعلیا و الغایه القصوی یا علی قبل کسبر در پستی مقام معرفتین تفکر ماکل بکلمه آنه بود

فی فعله و مطاع فی امره ناطق اند معذک اگر بقدر رسم ابره مخالف نفس و هوک ظاهر شود اعراض نمایند بگو بر مقتضیات حکمت بالغه الهیه احدی آگاه نه آنه لو یکم علی الارض حکم السماء لیس لاحد ان یعترض علیه هذا ما شهد به نطقه البیان فیما انزل به بالحق من لدی الله فائق الاصباح .

۱۵ تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است علم بمنزله جناح است از برای وجود و مراقبت از برای صعود تحصیلش بر کل لازم و لکن علوم که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که بحرف ابتدا شود و بحرف منتفی گردد صاحبان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم یشهد بکلام البیان فی الماب نیما لک معین فی تحقیقه که جز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط کذلک نطق لسان العظمه فی هذا السجین العظیم .

۱۶ تجلی چهارم در ذکر الوهیت و ربوبیت و امثال است اگر صاحب بصیر در سدره مبارکه ظاهره و اثمارش نظر نماید انها تغنیه عن دوحها و یعرف بما نطق به مکلم الطور علی عرش الظهور یا علی قبل کسبر ذکر الناس بآیات ربانک و عرفهم صراط المستقیم و نباه العظیم بگو ای عباد اگر از اهل عدل و انصاف تصدیق ینمایند آنچه را که از قلم اعلی جاری شده اگر اهل بیان پارسى شمار راه نماید و کفایت کند و اگر اهل فسق فایند در تجلی و ندای سدره از برای ابن عسیران تفکر نماید سبحان

۲۰ کمان آنکه عرفان در ظهور حق کامل و بالغ شده و بغایت قصوی رسیده حال  
 معلوم میشود عرفان نزد معروضین تشنل نموده و نابالغ مانده . یا علی آنچه از  
 شجر پذیرفتند از سرده وجود نمی پذیرند بگو ای اهل بیان از روی نفس و موی  
 ۲۱ تکلم منماید اکثر احزاب عالم مقررند بکلمه مبارکه که از شجر ظاهر شد لعمر الله اگر  
 ذکر بیشتر نبود هرگز این مظلوم به آنچه سبب اضطراب و هلاکت جهال است تکلم نمی نمود  
 در اول بیان در ذکر ذکر من نظیره الله جل طوره میفرماید الذی نطق فی کل شأن انبی  
 انا الله لا اله الا انار رب کل شیء وان ما دونی خلقی ان یا خلقی ایامی فاعبدون  
 و همچنین در مقام دیگر عند ذکر من نظیره میفرماید انبی انا اول العابدین حال  
 باید در عابد و مسبود تفکر نمود شاید عباد ارض بقطره از حبس عرفان فائز گردند و مقام  
 ظهور ادراک نمایند آنه ظهر و نطق باحق طوبی لمن اقر و اعترف و وئیل لكل منکر  
 ۲۲ بعید یا ایها الارض اسمعوا ندا السدرة التي احاط علی العالم ظلها ولا تكونوا من  
 جبابرة الارض الذین انكروا ظهور الله و سلطانة و كفروا بنعمته الا انهم من الصاغرين فی  
 ۲۳ کتاب الله رب العالمین البصاء المشرق من افق سما غمایتی علیک و علی من  
 معک و یسمع قولک فی امر الله العزیز الحمید .

